

گفت و گویا
شاپور والی پور



تالیف و تصانیف

مؤسسه مطالعات
تاریخ معاصر ایران

گفت و گو و تنظیم: مرتضی رسولی پور



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

گفت‌وگو با شایم والی‌پور

گفت‌وگو و تنظیم: مرتضی رسولی‌پور

ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

ناظر فنی چاپ: سجاد بهارلو

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران:

تهران، خیابان ولیعصر، شهید فیاضی (فرشته)، نبش

چناران، شماره ۱۵

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵

تلفن: ۸-۲۲۶۰۴۰۳۷ وب: www.ichs.org

سفارشات: ۰۹۱۲۹۳۷۵۴۴۰

سرشناسه: والی‌پور، شاپور، ۱۳۰۴-، مصاحبه‌شونده

عنوان و نام پدیدآور: گفت‌وگو با شاپور والی‌پور / گفت‌وگو و تنظیم: مرتضی رسولی‌پور

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۴-

مشخصات ظاهری: ۸۵ ص؛ مصورا: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م

فروست: تاریخ شفاهی-

شابک: ۸-۶۴-۲۸۴۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: والی‌پور، شاپور، ۱۳۰۴-، مصاحبه‌ها

موضوع: والی‌پور، شاپور، ۱۳۰۴-

موضوع: حزب توده ایران — سرگذشتنامه

موضوع: ایران — تاریخ — پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ — جناحهای سیاسی

شناسه افزوده: رسولی‌پور، مرتضی، ۱۳۴۱-، مصاحبه‌گر

شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

زده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ / ۲۲۳ و / ۱۵۲۸/۵ DSR

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۷	خانواده
۱۷	تحصیلات
۱۹	زمینه های کشیده شدن به فعالیت سیاسی
۲۱	شروع فعالیت در حزب توده
۲۲	در حزب آزادی اندیشه نداشتیم
۲۲	اسیر انضباط حزبی و تابع تصمیمات نادرست رهبری حزب بودیم
۲۴	کارشکنیهای حزب توده در برابر دولت دکتر مصدق
۲۵	چرا شبکه نظامی حزب در برابر کودتا کارساز نبود
۲۷	نظر حزب توده نسبت به نهضت ملی ایران
۲۸	نظر دکتر مصدق نسبت به حزب توده
۲۹	ضعف دکتر مصدق در برابر مخالفان
۳۲	در جوانی شناخت من از مصطفی فاتح سطحی بود
۳۴	مخالفت فاتح با سیاست و شیوه عمل شرکت نفت
۳۶	فاتح همیشه مدافع انگلستان نبود

- ۳۷ انتقادهای فاتح از رژیم پهلوی
- ۴۱ فساد مالی رضاشاه
- ۴۴ دشمنی محمدرضاشاه با مصطفی فاتح
- ۴۶ از نظر فاتح تأسیس کلپ «ایران نو» نوشدارو بعد از مرگ سهراب بود
- ۴۷ نگرانی رضاشاه از به سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی
- ۴۸ مراجع ملوکانه یا تحقیر کارگران!
- ۵۸ ونه ای دیگر از خبثت و حرص خاندان پهلوی
- ۶۷ معاود
- ۸۳ نیه اشخاص

www.ketab.ir

پیشگفتار

نگاهی به تاریخ اندیشه ایران معلوم می‌دارد کلام و گفتار اعم از مکتوب و غیر مکتوب معمولاً بر اساس تلاقی و تعاطی افکار در چارچوب قواعد منطقی و برقرار ساختن دسیسه‌ای از حراره‌های انتزاعی شکل نمی‌گرفته و در اغلب موارد یکسونگری و پذیرش انفعالی و قناعی جای گفت‌وگو و رویارویی فکری را می‌گرفته‌است. به دیگر سخن اندیشه و زیستی مبتنی بر گفت‌وگو در دوره‌های گذشته امری نادر و کم‌نظیر بوده‌است.

منظور از گفت‌وگو مبادلهٔ صوری و تفننی آمیز افکار و اندوخته‌ها نیست؛ بلکه تلاش برای درک و فهم اندیشهٔ دیگران و در صورت لزوم نقد و ارائهٔ آنها به جامعه است و تازمانی که زمینهٔ قابل قبول برای گفت‌وگو به وجود نیاید، تصور فهم مسائل و راه‌یابی در یک شکل منطقی و غیر شخصی ضعیف خواهد بود. از این منظر گفت‌وگو شیوه‌ای از تفکر است و به عبارت دیگر، تفکر حاصل گفت‌وگویی دارد. فکر یعنی گفت‌وگو با خود، با هستی و با انسانهای دیگر. گفت‌وگو تنها زمانی امکان‌پذیر می‌شود که افراد و جریان‌ها نسبت به هم انعطاف و

کشودگی داشته‌باشند. در این حالت طبیعی است که طرفهای گفت‌وگو رویکرد فرضیه‌ای خواهند داشت؛ به این معنی که طرفین، دیدگاه خود را، حداکثر فرضیه‌ای می‌دانند که به طور مداوم به مذاقه کشیده می‌شود؛ مورد آزمون قرار می‌گیرد و محک می‌خورد.

در موضوع تاریخ شفاهی باید توجه داشت که بنیاد هر نوع فعالیت مربوط به این حوزه گفت‌وگو است. در گفت‌وگو درونمایه شخصیتها به نمایش گذاشته می‌شود و به رماندا نیرو و زندگی می‌بخشد. در یک گفت‌وگوی مکتوب هر چند مصاحبه‌شونده را نمی‌بینیم اما از نحوه سخن گفتن او، به شخصیت او پی می‌بریم و متوجه می‌شویم رماندا آمده و از چه قماش آدمی است. در یک گفت‌وگوی موفق سه خصوصیت عمده آشکار می‌شود:

۱. خصوصیات جسمانی و تناسلی

۲. خصوصیات روانی و خلقی

۳. خصوصیات اجتماعی و فکری

اصلی‌ترین نقطه عزیمت در بحث مربوط به مصاحبه پرسش است. اهمیت پرسش بالذات است یعنی اگر ما پرسش نکنیم و به سراغ آن نرویم، پرسش به سراغ ما خواهد آمد. پژوهش زمانی شکل می‌گیرد که با سوال آغاز شود و مواجهه انجام بگیرد؛ مواجهه با کسانی که مثل ما فکر نمی‌کنند. ما در مجموعه‌های بسته و عنکبوتی است که سؤال و گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد. کسی که موضوعی یا روایتی را مطرح می‌کند نمی‌تواند یک طرفه تنها حرف خودش را بزند و به

سؤالات پیرامون آن اعتنا نکند. بعضی عادت دارند فقط خود بگویند و بنویسند و دیگران فقط گوش بدهند. در چنین حالتی ارتباط با دیگران به وجود نخواهد آمد. لازمه برقراری ارتباط، گفت‌وگوی طرفینی است و یک نظام پژوهشی با نقد و پرسش شکل می‌گیرد.

در گذشته و در نظام آموزشی و حوزه‌ای وقتی که یک سؤال فقهی مطرح می‌شد، ایرادات و اشکالات مرتبط و پیرامونی هم در کنار آن مطرح و پاسخ داده می‌شد. بنابراین در یک جلسهٔ سالم نیز توافقه‌ای اجتماعی بر تبادل فکر و گفت‌وگو امکان‌پذیر شده و به تعبیری اندیشهٔ میان‌ذهنی به شکلی نهادینه صورت می‌پذیرد. رواج گفت‌وگو از طریق چرخشی و تکنیکی، خرد ارتباطی و تفکر بین‌الذهانی را شکل می‌دهد و در این صورت حقیقت را چنانی بیشتر روشن می‌شود. بی‌توجهی به گفت‌وگو پژوهشهای تاریخی را عقبه می‌گذارد و خودگویی به معنی درجای خود بودن و توجه نداشتن به محیط پیرامون را فراموش کردن مخاطب است.

روایتهایی که از زبان روایان در مورد یک واقعه وارد داد بیان می‌شود یکسان نبوده به‌طوری که برخی متشابه، برخی دیگر متفاوت و گاهی متضاد هستند. در این صورت اظهارات هیچ‌یک از روایان را به‌طور مستقل نمی‌توان «روایت تاریخی» قلمداد کرد؛ بلکه مجموع روایتها و گزاره‌هایی که هر کدام از روایان در یک متفاوتشان بیان می‌کنند چنانچه در کنار هم قرار گیرند و در یک نظام مدعای کلیت مطالعه شوند، در آن صورت می‌توانند به‌گونه‌ای منسجم و هموار و مرتبط با یکدیگر «روایت تاریخی» را به دست دهند. تأکید بر یک روایت و نادیده

گرفتن روایت‌های گوناگون در مورد امر واقع جز تصلب، فروبستگی، امتناع و رکود اندیشه حاصلی به بار نخواهد آورد. البته غث و ثمین اظهارات راویان همچون گزارشها، اسناد و منابع مکتوب بسیار است و کم نیستند راویان و نویسندگانی که از نظر منافع و مصالح خود به وقایع نظر کرده‌اند؛ با این همه باید بپذیریم که درک درست از تاریخ و هر نوع تبادل فکر و اندیشه در نتیجه گفت‌وگو و برقراری نوعی بحث و مباحثه هم‌اندیشی و هم‌سخنی امکان‌پذیر می‌شود؛ و باید این سخن را به جان پذیرفت که حتی در نوشته‌ها و حرفهایی که از سر بازپچه نوشته و گفته شده‌اند پندی نهفته است.

در گفت‌وگوی مربوط به تاریخ شفاهی رعایت نکات زیر الزامی است:

الف. رعایت منطق ارتباط در موضوعات گفت‌وگو: در بعضی مصاحبه‌ها متأسفانه این نکته مورد غفلت قرار می‌گیرد به طوری که هیچ‌گونه نظم و ارتباطی که بتواند موارد را در بیان خاطرات به هم پیوند دهد وجود ندارد. سؤال‌کننده به هنگام پرسش باید این نظم و ترتیب را رعایت کند تا نویسنده در پاسخ به هر پرسش در محدوده همان سؤال، جواب دهد و مطالب را به صورت درهم بیان نکند.

ب. داشتن هدف در مصاحبه‌ها یکی دیگر از ارکان بحث و گفت‌وگو در هر موقعیت و برای هر مقصود ملزم به داشتن هدف است، در غیر این صورت نتیجه حاصل نخواهد شد بلکه به گفت‌وگویی دوستانه و غیر حرفه‌ای ختم خواهد کرد.

ج. هر طرح تاریخ شفاهی بدون پشتوانه مطالعاتی و پژوهشی علمی نخواهد شد.

د. رعایت جنبه‌های فنی مصاحبه مثل یادداشت‌برداری، بهره‌مند بودن از

روش و زبان ارتباط، جهت دادن به مصاحبه، نپریدن در جریان توضیحات مصاحبه‌شونده، توجه داشتن مداوم به او و پرهیز از بی‌توجهی، رعایت نزاکت، پرهیز از ازجویی، رعایت حال مصاحبه‌شونده و دانستن اینکه به چه نحو مصاحبه را پایان دهد... الزامی است.

هـ. مصاحبه‌کننده باید بداند نقش او به عنوان واسط میان گوینده و شنونده است و همچنین، و تاریخ را در جریان گفت‌وگو محقق می‌کند. چنانچه تعلیم دیده و حرفه‌ای باشد، می‌تواند جریان نقل وقایع از سوی مصاحبه‌شونده را طوری هدایت کند که شخص اتفاقی که باها به فراموشی سپرده، به هنگام پرسش به آسانی به یاد آورد. پرسش‌ها و پاسخ‌ها به موقع و مناسب باشد، مصاحبه‌شونده به چیزی پاسخ خواهد داد که در غیر این صورت آن را به فراموشی می‌سپرد. و مصاحبه‌فعال می‌تواند عناصر، انشا، وقایع گم شده و حلقه‌های مفقود در رخدادها را کشف و آشکار کند.

واحد تاریخ شفاهی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران از ابتدای فعالیت خود همواره کوشیده خاطرات رجال و شخصیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را که از دوران قاجاریه و پهلوی اطلاعاتی دارند، از طریق مصاحبه و گفت‌وگو ثبت، جمع‌آوری و منتشر نماید. تا کنون بیش از ۵۰ مصاحبه در شرایط وابسته به مؤسسه منتشر گردیده است.

کتاب پیش رو و کتابهایی از این دست که بعداً منتشر خواهند شد، مجموعه‌ای

از روایت‌های گوناگون و گاهی منتقدانه تعدادی از صاحب‌نظران پیشین عرصه سیاست و فرهنگ است که هرکدام در تحولات و موضوعات مشترک سیاسی، فرهنگی، معاصر ایران دستی و نقشی داشته‌اند.

هدف اصلی از انجام این مصاحبه‌ها دستیابی به اطلاعات، دانش، تجارب و عموماً دیدگاه‌های صاحب‌فکران و همچنین ارائه نوعی خاص از کنش متقابل برای رسیدن به واقعیت و تبیین روایت بوده‌است. بخشهایی از هر گفت‌وگو جهت درک بیشتر، بسط و قیاس، به بیان خاطرات شخصی اختصاص یافته، به طوری که شناسایی در خاتون و محور مصاحبه قرار دارد. در قسمتهایی نیز موضوع به طور مستقل به مدافعه کشیده شده؛ از این جهت گفت‌وگوها رویکردی تلفیقی دارد و ترکیبی از «تاریخ» و «تاریخ شفاهی» است. برای آن‌که خواننده در حاق موضوع و مطلب قرار گیرد، او سعی گردیده در هر گفت‌وگو، منطق ارتباط رعایت شود؛ افزون بر این در مقدمه هر مصاحبه مختصری از شرح احوال و آثار علمی مصاحبه‌شونده و فضای گفت‌وگو آورده شده است.

در پایان ادای سپاس نسبت به دوستان و همکاران اجمندی که در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران دلسوزانه زحمت می‌شنیدند و با بی‌شائبه‌ی معنوی، چاپ و نشر این کتاب را سبب گشتند، لازم می‌دانم و برای آنان منتهی عزت و دوام کرامت طلب می‌کنم. بمنه و کرمه

تاریخ شفاهی

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

مقدمه

شاپور والی‌پور به سال ۱۳۰۴ خورشیدی در اصفهان زاده شد. پدرش مهدقلی صارم لشکر بود که در جنبش مشروطیت در جنگ با ارشادالدوله و سالارالدوله حضور داشت و مادرش به خانم زاده پدرش منسوب بود.

تحصیلات مقدماتی را در اصفهان گذراند. دوره متوسطه را ابتدا در دبیرستان «ادب» اصفهان سپری کرد و همانجا به جنبش چپ و حزب توده گرایش پیدا نمود. در ۱۳۲۲ به تهران آمد و در شبانه‌روزی البرز تحصیل خود را ادامه داد. سپس به اصفهان بازگشت و همانجا دیپلم گرفت و پس از آن به دبیرم به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد.

در حزب توده ابتدا گوینده حوزه کارگری بود و سپس مسئولیت سازمان جوانان حزب را در اصفهان به عهده داشت. در دومین کنگره حزب در سال ۱۳۲۶، نماینده اصفهان در کنگره بود. پس از آن به عنوان عضو کمیته حزب در دانشگاه

فعالیت کرد. در بهمن ۱۳۲۷ به اتهام شرکت در تیراندازی به شاه در دانشگاه دستگیر و روانه زندان شد. پس از آزادی، به مدت چهار سال از دانشگاه اخراج و به خدمت نظام در دانشکده افسری فراخوانده شد. در دانشکده افسری مسئول یکی از دو شبکه توده‌ای بود و با بیرون آمدن از دانشکده افسری به عضویت تشکیلات حزب توده درآمد و با عنوان مسئول حزب در شهرهای اصفهان و یزد، فعالیت‌های حزبی را سازماندهی نمود و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رابط تشکیلات حزب با کمیته ایالتی اصفهان و یزد بود.

پس از واقعه ۸ مرداد ۱۳۳۱ در حالی که از فعالیت‌های حزبی سرخورده و مأیوس شده بود، خبر را از سرگشته فعالیت‌های سیاسی بیرون کشید و در سازمان بیمه‌های اجتماعی استخام شد و به تدریج ریاست بیمارستان سرخه‌حصار را به عهده گرفت و در سالهای پایانی دهه ۱۳۰۰ به سمت مدیرکل درآمد در سازمان بیمه‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی کنونی) منصوب گردید.

پس از پیروزی انقلاب در انزوا به سر می‌برد و بیشتر اوقات را به مطالعه می‌گذراند و فقط در جلسات خصوصی با دوستان نزدیک خود به تبادل خاطرات گذشته می‌پرداخت.

در کتاب پنجم «تاریخ معاصر ایران» (زمستان ۱۳۳۱) مقاله‌ای با عنوان «یادداشت‌هایی درباره خاطرات آشتیانی‌زاده درخصوص جوانان رضاخان و

کودتای سوم اسفند^۱ به وسیله آقای شاپور والی‌پور به رشته تحریر درآمده بود. نامبرده در مقاله خود ضمن اشاره به بروز اختلاف میان محمدرضا پهلوی و مصطفی فلاح پس از کودتای ۲۸ مرداد که به دستگیری و بازداشت او منجر شد چنین نوشت: «اینکه چرا شاه با وجود انس و الفت و حتی مشورت در بعضی امور با فلاح چپ افتاده او را به زندان انداخت، داستانی دارد که امیدوارم روزی بنویسم تا یشت آسگار شود دیکتاتوری و خودکامگی چه بلایی است و حتی با رجال سرشناس و نامتو از جامعه چه می‌کند؟»^۲

اشاره والی‌پور در آن مقاله کنجکاو می‌ماند ما را برانگیخت تا ضمن تماس، توضیحات بیشتری در این خصوص از وی بخواهیم. به عبارتی، بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو. در همان دیدار، جلسه نخست دریافتیم ایشان بر حسب سوابق خانوادگی و فعالیتهای سیاسی-اجتماعی متعدد، گذشته از اطلاعات و تجربیات نسبتاً وسیعی برخوردار است که بیان آن برای نسل حاضر و نسلهای آینده می‌تواند روشنگر، مفید و آموزنده باشد. بر این اساس، گفت‌وگوی انجام شده فراتر از آن حدی شد که ابتدا انتظار داشتیم.

والی‌پور طی چندین جلسه مصاحبه، ضمن پاسخ به سؤالات، علاوه بر بیان سوابق آشنایی خود با فلاح، مطالب و خاطراتی از سران و خاندانهای بختیاری، گرایشهای فکری آنان، خلع سلاح بختیاریها، قتل سردار اسعد، تشکیل اتحادیه

۱. تاریخ معاصر ایران کتاب پنجم، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲، صص ۲۶۷-۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۷۰.

چهارم محال»، تشکیل حزب «ایران نو» به دست تیمورتاش و داور، دریافت مقرری ماهیانه محمدرضا پهلوی از شرکت سابق نفت به وسیله قاتح در زمان ولایتعهدی، لیل گرایش خود و کشیده شدن به حزب توده و بیان نقش مخرب این حزب در راه آوردن زمینه‌های تباهی چندین نسل از جامعه و انحراف جریان روشنفکری، می شدن صنعت نفت، بیان خاطراتی از تیمور بختیار و خانواده‌اش، اسماعیل راسین، عطاءالله سروانی، غلامرضا پهلوی و بسیاری مطالب دیگر را به تفصیل و از سر در حدی و زور و هیجان غیرقابل وصف بیان کرد و اسم آن را جلسات تبادل درد نام نهاد.

آنچه در این کتاب می‌خوانید گزیده‌ای تنظیم شده از مجموع ده ساعت مصاحبه با نامبرده می‌باشد که در سال ۱۳۷۰ انجام گرفته و پس از پیاده سازی و تنظیم اول بار در فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران (شماره ۳، پاییز ۱۳۷۱) درج شد و اکنون پس از بازبینی، رفع ایرادات نگارشی، افزودن فهرست مطالب به آن و همچنین استخراج نمایه اشخاص، تقدیم به لایحه‌مندان می‌شود. والی پور در ۱۳۷۹ در تهران درگذشت.